

مطالعه سیاست‌های اقتصادی ایران با رویکرد آمایش سرزمین (مطالعه موردی: برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه کشور)

حسین ایمانی جاجرمی^۱

حمیده دباغی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۰۹

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۹/۲۵

چکیده

سیاست‌های کلان اقتصادی باید در تناسب با نیازهای محلی، قابلیت‌ها و ویژگی‌های منطقه‌ای اتخاذ شوند. در غیر این صورت، زمینه توزیع نامناسب جمعیت، امکانات، تسهیلات و فعالیت‌ها، نبود تعادل فضایی، تراکم فعالیت‌ها در یک منطقه، قطب‌بندی فضایی و گسترش نابرابری اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌آورند و به‌عنوان مانعی در مسیر توسعه کشور عمل می‌کنند. در مقاله حاضر، با تمرکز بر دو عنصر «فضا» و «فعالیت‌های اقتصادی»، قوانین برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه کشور به‌عنوان اسناد فرادستی، به‌روش توصیفی-تحلیلی مطالعه شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد در برنامه چهارم، به‌همه معیارها و شاخص‌های مربوط به بعد جمعیت، توزیع امکانات و فعالیت‌ها و توزیع فضایی توجه شده است؛ حال آنکه تحلیل برنامه پنجم توسعه با سنجش‌های مشابه نشان می‌دهد که مواد قانونی منطبق با مواردی چون شاخص‌های جمعیتی در برنامه‌ریزی، منطقه‌بندی فضایی (شهر یا روستا) به‌عنوان مکان اجرای سیاست‌های اقتصادی و منطقه‌بندی فضایی برحسب شاخص مهاجرت وجود ندارد. همچنین با آنکه به بعد توزیع فضایی در برنامه چهارم توسعه توجه شده، این شاخص در برنامه پنجم توسعه مغفول مانده است. شایان ذکر است که مزیت افزون برنامه چهارم در مقایسه با برنامه پنجم توسعه پس از انقلاب، به‌کارگیری رویکرد آمایش سازمانی و اتخاذ راهبرد ادغام عملیاتی است که طی آن، برنامه‌ریزی‌های فضایی یا سازوکار آن در تمام سازمان‌های یک منطقه ادغام شده است. نمونه مشخص اجرای سیاست مذکور، قطب‌ها و مناطق آزاد کشور است.

واژه‌های کلیدی: آمایش سرزمین، برنامه پنجم توسعه، برنامه چهارم توسعه، سیاست‌های اقتصادی، مطالعه تطبیقی.

۱. دانشیار گروه مطالعات توسعه اجتماعی دانشگاه تهران، imanijajarmi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مطالعات توسعه اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، h.dabaghi@ut.ac.ir

مقدمه

دستیابی به توسعه و بهبود کیفیت زندگی، از آرمان‌هایی است که همه کشورهای سعی دارند به آن دست یابند. از این‌رو، شاید بتوان توسعه را به معنای حرکت نظام اجتماعی به سمت بالا و روبه‌جلو دانست.^۱ این مفهوم در دیدگاه‌های متفاوت، با شاخص‌های مختلفی ارزیابی می‌شود، اما جدا از تعریف و تعیین شاخص‌هایی که در اهداف و چشم‌انداز هر کشور برای مفهوم توسعه در نظر گرفته می‌شود، رسیدن به آرمان توسعه، نیازمند برنامه‌ریزی‌های کلان به‌عنوان مجموعه‌ای از سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و کوشش‌های آگاهانه از سوی مقام‌های رسمی است تا بتوان با استفاده از ابزارهای ازپیش‌تعیین‌شده، به اهداف معینی دست یافت (حائریان، ۱۳۸۵: ۳۰۳) و رابطه میان سه عنصر انسان، فضا و فعالیت را مشخص کرد. این سه عنصر، از ارکان اساسی برنامه‌ریزی فضایی^۲ به‌شمار می‌روند و تأکید بر هریک از محورها، برنامه را به سمت خاصی هدایت می‌کند.

برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین، رابطه میان دو عنصر فضا (اقلیم) و برنامه‌ریزی (فعالیت) را مدنظر قرار می‌دهد و به توزیع فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی، ظرفیت‌های آشکار و پنهان با توجه به تحول‌ها و دگرگونی‌های زمان و نیازها می‌پردازد. این توزیع، عمدتاً با دیدی طولانی‌مدت، برای بهره‌برداری بهینه از امکانات و آشکارکردن نقش و مسئولیت خاص هر منطقه براساس توانمندی‌ها و قابلیت‌های آن، به‌طور هماهنگ با دیگر مناطق صورت می‌گیرد. هدف اصلی از آمایش سرزمین نیز سازمان‌دهی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی به‌منظور تحقق آینده‌ای مطلوب است. حال آنکه بروز مشکل‌های متعددی چون وجود اختلاف منطقه‌ای، پدیدآمدن کلان‌شهرها، رشد فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی نامتوازن، جریان‌های مهاجرتی حجیم، توزیع نامناسب جمعیت، امکانات، تسهیلات و فعالیت‌ها، نبود تعادل فضایی، تراکم فعالیت‌ها در یک منطقه خاص، قطب‌بندی فضایی و گسترش نابرابری اجتماعی و اقتصادی، همگی بیانگر لزوم توجه به پتانسیل‌های منطقه‌ای و محلی و توجه به رویکرد برنامه‌ریزی منطقه‌ای و محلی به‌عنوان جایگزینی برای سیاست‌گذاری‌های کلان ملی یا اتخاذ رویکردی محلی‌گرا و تمرکززدایی در اعمال سیاست‌های کلان اقتصادی و اجتماعی است.

1. What is development: Gunnar Myrdal

2. Spatial planning

سیاست‌های اقتصادی کلان، در صورتی که بدون توجه به نیازهای محلی، پتانسیل‌ها و ویژگی‌های منطقه‌ای اتخاذ شوند و در پیوند با رویکرد آمایشی نباشند، زمینه توزیع نامناسب جمعیت، امکانات، تسهیلات و فعالیت‌ها، نبود تعادل فضایی، تراکم فعالیت‌ها در یک منطقه خاص، قطب‌بندی فضایی و گسترش نابرابری اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌کنند و مانعی برای توسعه کشور به‌شمار می‌روند.

در مقاله حاضر، با تمرکز بر دو عنصر فضا و فعالیت‌های اقتصادی و در عین حال، توجه به عنصر انسان به صورت مکنون، اسناد برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه کشور به عنوان اسناد فرادستی مطالعه می‌شود. این پژوهش، به دو پرسش پاسخ می‌دهد: آیا در تدوین برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در قالب برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه، رویکرد آمایشی اتخاذ شده است؟ آیا در تدوین برنامه‌های کلان توسعه، در توزیع امکانات، منابع و فعالیت‌ها، به عناصر فضا و جمعیت توجه شده است؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

ایران بیش از نیم قرن پیشینه برنامه‌ریزی دارد. از منظر ایدئولوژیک، آنچه در ادبیات برنامه‌ریزی، هدف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نامیده می‌شود، از جمله نیاز به قانون، توزیع عادلانه و برابری را در اواخر قرن گذشته، روزنامه‌نگاران و نویسندگانی چون آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، ملک‌خان و دیگران دنبال می‌کردند (عظیمی، ۱۳۸۹: ۱۶۵-۱۶۶). حال آنکه با وجود قدمت در حوزه برنامه‌ریزی کلان و با وجود تنوع اقلیمی، جمعیتی و دامنه گسترده‌ای از پتانسیل‌ها و منابع طبیعی در کشور، راهبردهای متناسب با فضا در حوزه برنامه‌های کلان توسعه چندان رایج نیست. در نتیجه، در شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، نابرابری‌های فضایی دیده می‌شود.

پژوهش‌های متعدد داخلی نیز به مقوله توسعه نامتوازن فضایی اشاره داشته و بیان کرده‌اند که بین استان‌های مرزی و مرکزی، تفاوت معناداری در شاخص‌های توسعه وجود دارد (زیاری، ۱۳۹۰؛ شایان، ۱۳۸۴)؛ تا آنجا که مناطق مرکزی ایران، حدود سه‌برابر توسعه‌یافته‌تر از مناطق مرزی هستند (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲). بر اساس پژوهش‌های پیشین، نوع ساختار سیاسی حاکم و ترویج دیدگاه سیاسی تمرکزگرا و پایتخت‌محور، زمینه قطبی‌شدن و توسعه نامتوازن فضایی را فراهم می‌سازد (ویسی و مهمان‌دوست، ۱۳۹۱: ۲۰۴-۲۹۹). شایان ذکر است که نبود

تبادل منطقه‌ای، ناشی از دو دسته عامل است: عوامل درون‌ناحیه‌ای - که به شرایط جغرافیایی و طبیعی حاکم بر ناحیه اشاره دارد - و عوامل برون‌ناحیه‌ای - که ناشی از سیاستگذاری‌ها و نوع راهبرد انتخابی برای توسعه است (مؤمنی، ۱۳۷۷: ۳۶). بعضی از پژوهش‌ها در ایران نیز به نبود ارتباط مؤثر میان قوانین و سیاستگذاری‌ها با رویکرد آمایش و توسعه فضایی اشاره دارند و نبود قوانین مناسب (صالحی و پورفرزام، ۱۳۸۸: ۱۷۲ - ۱۷۸)، نبود تفکر منسجم و نهادینه برای مدیریت سرزمین در سطوح مدیریتی و نهاد قانونی حمایتگر و مشخص (لطیفی، ۱۳۸۸: ۱۴۵ - ۱۴۶) و نبود راهبرد مشخص در سازمان‌های متولی اجرای سناریوهای پیشنهادی طرح‌های آمایش (سلطانی، ۱۳۹۲: ۱) را عمده‌ترین چالش‌های فراروی گسترش مقوله آمایش و توسعه فضایی دانسته‌اند. در واقع، در فرایند برنامه‌ریزی توسعه، کشورها به نتایجی دست می‌یابند که محصول طبیعی شیوه مواجهه آن‌ها با امر برنامه‌ریزی است و ارزیابی روشمند و انتقادی که از تجارب برنامه‌ریزی در کشورها انجام می‌شود، نمایانگر آن است که برنامه‌ریزی کلان در یک کشور، حسن و قبح ذاتی ندارد؛ بلکه امتیازها و معایب آن در نحوه تدوین برنامه، ماهیت آن، نحوه اجرا و نحوه طراحی آن را مشخص می‌سازد.

در اسناد برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران نیز فصولی به توسعه منطقه‌ای و آمایش سرزمین اختصاص داده شده است که با توجه به اهمیت جنبه‌های آمایشی در سیاستگذاری‌های اقتصادی و نحوه مواجهه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کشور، با تنوع فضایی و فعالیت‌های اقتصادی مطالعه می‌شود.

روش پژوهش

به لحاظ روش‌شناسی، در نوشتار حاضر می‌توان سه سطح را در مطالعه اسناد توسعه به کار گرفت:

- شناسایی رویکرد و مبانی نظری برنامه؛
- تعریف اهداف و سیاست‌های کلی؛
- ارزیابی برنامه‌های توسعه.

در مقاله حاضر، به سطح دوم، یعنی بررسی و مطالعه اهداف و سیاست‌های کلی قوانین توسعه توجه شده است؛ بنابراین، روش مطالعه در نوشتار حاضر، توصیفی - تحلیلی است که در بخش توصیفی از تکنیک مطالعه کتابخانه‌ای در تدوین چارچوب مفهومی آمایش سرزمین

استفاده شده است. سپس با استفاده از روش تحلیل محتوا، مقوله‌های برآمده از چارچوب مفهومی، در متن اسناد، مطالعه و ارزیابی شده است. اسناد مورد بررسی نیز شامل متن قوانین برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه پس از انقلاب اسلامی، به‌عنوان اسناد فرادستی و کلان در حوزه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی هستند.

مفهوم برنامه‌ریزی فضایی^۱ یا آمایش سرزمین

فرض زیربنایی آمایش آن است که در جامعه هیچ‌چیز سرجای خود قرار ندارد و برنامه‌ریزی یا به‌اصطلاح چیدمان در گستره ملی و استانی، به این نابسامانی پایان می‌دهد (عظیمی، ۱۳۸۹: ۲۲۰). درواقع، بخش مهمی از مفهوم آمایش سرزمین، به موضوع مدیریت «داشته‌ها» و استفاده از ویژگی‌های محیطی، انسانی و طبیعی سرزمین- که به‌طور بالقوه در آن نهان است- براساس نیازهای اقتصادی و اجتماعی اختصاص دارد (خنیفر، ۱۳۸۹: ۵). آمایش سرزمین، به‌معنای ایجاد تعادل بین سه عنصر انسان، فضا و فعالیت است که درمورد انسان مقوله «مدیریت»، درمورد فضا موضوع «اقلیم» و درمورد عنصر فعالیت، مقوله «برنامه و برنامه‌ریزی» برجسته می‌شود (وحیدی، ۱۳۷۳: ۷۶). مفهوم فضا، هم به فضای حقیقی- در ابعاد جغرافیایی- و هم به فضای مجازی اطلاق می‌شود. عملکرد اقتصادی در فضای مجازی صورت می‌گیرد و برنامه‌ریزی اقتصادی و مشتقات آن نیز مانند برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای ضرورت می‌یابد (عظیمی، ۱۳۸۹: ۲۲۱). در این دیدگاه، رسیدن به بهترین شکل توزیع منابع، نیازمند برنامه‌ریزی مربوط به فضاست؛ چراکه توسعه اقتصادی و اجتماعی، به‌تنهایی پیامدهای نامطلوبی به‌ویژه در نبود تعادل‌های منطقه‌ای، به‌همراه خواهد داشت. درواقع، می‌توان برنامه‌ریزی مبتنی بر رویکرد آمایش سرزمین را ایجاد نوعی هماهنگی میان تقابل‌های دوگانه دانست. همان‌گونه که میسرا در مقاله «برداشتی نو از مسائل توسعه» مطرح می‌کند، در هر برنامه‌ریزی توسعه، هفت انتخاب راهبردی باید انجام شود: رشد در برابر توزیع، توسعه صنعتی در برابر توسعه کشاورزی، توسعه شهری در برابر توسعه روستایی، فناوری‌های سرمایه‌بر در برابر فناوری‌های کاربر، تمرکز در برابر نبود تمرکز، برنامه‌ریزی‌های اجتماعی در برابر برنامه‌ریزی‌های فیزیکی و مدرن‌شدگی در برابر سنت. میسرا با مطرح کردن بحث انتخاب در هریک از حوزه‌های هفتگانه، مسائل را در دو قطب در نظر می‌گیرد

و بیان می‌کند که توجه و به‌کارگیری ترکیب خردمندان‌ای از هردو قطب، در هریک از موارد راهبردی ضرورت دارد (مؤمنی، ۱۳۷۷: ۴۲-۴۳). مباحث طرح‌شده، دربرگیرنده مفهومی پنهان است که به توزیع فضایی متوازن یا مقوله آمایش اشاره دارد.

برنامه‌ریزی فضایی، مفهومی فراگیر است که مفاهیمی بیش از عقل سلیم تحقق‌یافته^۱ را در خود دارد و دارای کاربردی نسبتاً غیرانتقادی و فراگیر است، اما آنچه مسلم است، در تئوری برنامه‌ریزی فضایی یا آمایش، گستره‌ای از تعاریف سستی درمورد مفهوم برنامه‌ریزی که از بستر مالکیت و کنترل زمین برآمده تا دیدگاهی چندبخشی، مثبت، جامع و فعال‌تر قرار می‌گیرد. براساس این دیدگاه، برنامه‌ریزی به عاملی فعال در تغییر حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی تبدیل می‌شود.

در دیدگاه جدید، برنامه‌ریزی فضایی به مشکل ادغام و هماهنگی ابعاد فضایی در سیاست‌های بخشی می‌پردازد؛ برای مثال، برنامه‌ریزی فضایی برای رفع تضاد میان سیاست‌های توسعه اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی به‌کار می‌رود؛ بنابراین، نقش کلیدی برنامه‌ریزی فضایی، ترویج و گسترش چیدمان معقول‌تری از فعالیت‌ها و ایجاد آشتی و همگرایی میان اهداف رقیب است. با وجود تفاوت در دامنه عملکرد برنامه‌ریزی فضایی در کشورهای مختلف می‌توان مشاهده کرد که برنامه‌ریزی فضایی، با شناسایی اهداف طولانی‌مدت یا میان‌مدت، به نحوه کاربرد و استفاده از زمین و توسعه فیزیکی به‌عنوان یک بخش مجزا از فعالیت دولت و در هماهنگی با سیاست‌های بخشی در حوزه حمل‌ونقل، کشاورزی و محیط‌زیست و... مرتبط است (کمسیون اروپا، ۲۰۰۸: ۱-۶).

بنابراین، می‌توان برنامه‌ریزی فضایی یا آمایش سرزمین را رویکردی به‌سوی آینده دانست که به اثربخشی اقدام‌های زمان حال، در شکل‌دهی به پتانسیل‌های آینده توجه دارد. در این رویکرد، بر پایداری و تداوم محیط زیست، تعامل و وابستگی متقابل میان پدیده‌ها در بستر زمان و فضا و توجه به سیاستگذاری‌های کلان- که غالباً متعامل‌اند- تأکید می‌شود. اسکات (۲۰۱۳) به نقل از کید^۲ (۲۰۰۷)، چارچوب زیر را در حوزه برنامه‌ریزی فضایی مطرح می‌کند و

1. Applied Common Sence
2. Kidd, 2007, P. 167, Fig. 2

برنامه‌ریزی فضایی یا آمایش سرزمین را در سه نوع مختلف بخشی، ناحیه‌ای و سازمانی طبقه‌بندی می‌کند.

جدول ۱. چارچوب مفهومی برنامه‌ریزی فضایی (آمایش سرزمین)

ابعاد	مقوله‌ها	تعریف
بخشی	ادغام میان‌بخشی	ادغام حوزه‌های سیاست عمومی مختلف در یک منطقه
	یکپارچه‌سازی بین‌سازمانی	ادغام فعالیت‌های بخش دولتی، خصوصی و داوطلبانه در یک منطقه
ناحیه‌ای	ادغام عمودی	یکپارچه‌سازی سنجه‌های فضایی مختلف از فعالیت‌های برنامه‌ریزی فضایی
	ادغام افقی	ادغام فعالیت‌های برنامه‌ریزی فضایی بین مناطق همجوار یا مناطق دارای منافع مشترک
سازمانی	ادغام راهبردی	ادغام برنامه‌ریزی فضایی با دیگر راهبردها، برنامه‌ها و ابتکارات در یک سرزمین
	ادغام عملیاتی	ادغام برنامه‌ریزی فضایی یا تحویل سازوکار آن‌ها در تمام سازمان‌های مربوط در یک منطقه
	ادغام ذی‌نفعان	ادغام ذی‌نفعان مختلف در یک منطقه

منبع: اسکات، ۲۰۱۳

اتخاذ رویکرد آمایشی در حوزه برنامه‌ریزی در ایران نیز که به معنای «پی‌بردن به ارزش‌های فضا» و به‌منظور کارکردهای مؤثر اقتصادی و اجتماعی است، به دهه ۱۳۴۰ و مطالعات مدون و سامانمند در حوزه آمایش سرزمین، توسط مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، به‌عنوان نخستین نهاد پژوهش‌های اجتماعی در ایران بازمی‌گردد. این مؤسسه در سال ۱۳۴۱، همایشی را با عنوان «بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران» برگزار کرد و در این سخنرانی‌ها مبحث عمران منطقه‌ای، به‌عنوان جزئی از مسئله وسیع و گسترده «توسعه کشور» مطرح شد. پس‌از آن، به توصیه سازمان ملل و هیئت‌های بازدیدکننده از ایران، مرکز ملی آمایش سرزمین در سال ۱۳۵۳ در سازمان برنامه تأسیس شد و تهیه اولین طرح آمایشی در ایران، به شرکتی فرانسوی واگذار شد.

مرکز ملی آمایش سرزمین، تجربه‌های آمایش سرزمین در ایران را به چهار دوره تقسیم کرد:

- دوره اول، از سال ۱۳۵۳ آغاز می‌شود و مقارن با تهیه طرح مطالعه‌های راهبردی درازمدت آمایش سرزمین، توسط مهندسان مشاور ستیران است؛
- دوره دوم، پس از انقلاب اسلامی و از سال ۱۳۶۲، همزمان با آغاز مطالعه‌های طرح پایه آمایش سرزمین است؛
- دوره سوم، از سال ۱۳۷۷، آغاز مطالعه‌های پایه آمایش سرزمین تا سال ۱۳۸۴ و روی کارآمدن دولت نهم است؛
- دوره چهارم، از سال ۱۳۸۶ و همزمان با انحلال سازمان مدیریت برنامه‌ریزی است (عظیمی، ۱۳۸۹: ۲۰۰-۲۰۱).

جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین در راستای تبیین فضایی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران و ترسیم ضرورت‌های تحقق آن در توسعه بلندمدت کشور و مبتنی بر اصول مصوب آمایش سرزمین است و شامل ملاحظه‌های امنیتی و دفاعی، کارایی و بازدهی اقتصادی، وحدت و یکپارچگی سرزمین، گسترش عدالت اجتماعی، ایجاد تعادل منطقه‌ای، حفاظت محیط زیست و احیای منابع طبیعی، حفظ هویت اسلامی، ایرانی و حراست از میراث فرهنگی، تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور و رفع محرومیت‌ها، به‌ویژه در مناطق روستایی کشور می‌شود (ضوابط ملی آمایش سرزمین، ماده ۱)، اما در این مقاله، با تمرکز بر هدف حفظ تعادل منطقه‌ای و گسترش عدالت اجتماعی، به سه بعد اصلی در متن قوانین چهارم و پنجم توسعه توجه شده است:

۱. بعد جمعیت و توزیع آن:

- ۱-۱. پیش‌بینی شمار جمعیت کشور؛
- ۲-۱. طراحی نظام سلسله‌مراتبی شهری و تعیین مراکز اصلی خدماتی و حوزه عملکرد آن در سطوح بالای کشور (ضوابط ملی آمایش سرزمین، ماده ۱، بند ۳)؛
- ۳-۱. تعیین محدوده‌های روستایی دارای اولویت در توسعه، برحسب قابلیت‌ها و ملاحظه‌های خاص (ضوابط ملی آمایش سرزمین، ماده ۱، بندهای ۹ و ۱۰)؛
- ۴-۱. منطقه‌بندی فضایی برحسب وضعیت مهاجرتی (ضوابط ملی آمایش سرزمین، ماده ۱، بند ۱۹)؛

- ۵-۱. سطح‌بندی جمعیتی شهرهای دارای بیش از ۱۰۰ هزار نفر سکنه؛
۶-۱. توزیع جمعیت میان جوامع شهری و روستایی (ضوابط ملی آمایش سرزمین، ماده ۱، بند ۱۶).

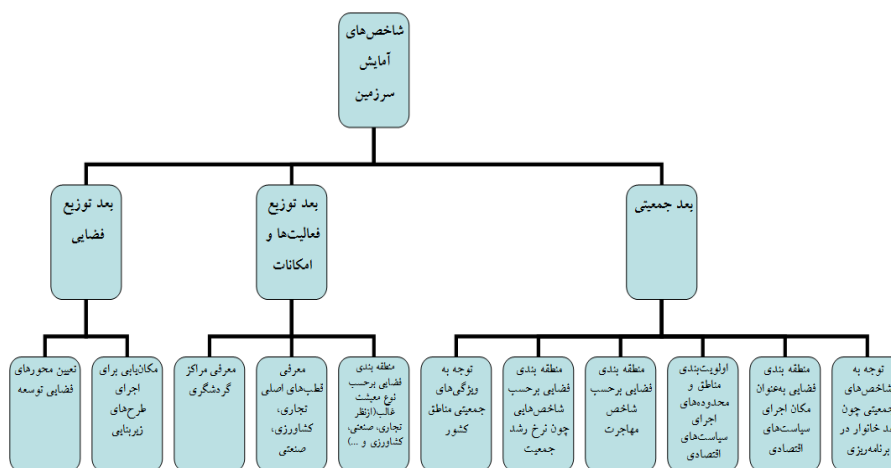
۲. بعد توزیع فعالیت‌ها و امکانات

- ۱-۲. ناحیه‌بندی کلان قلمروهای کشاورزی برحسب میزان فشردگی کشت، جنبه تجاری تولید، وضعیت اقلیمی، نوع معیشت غالب و محدودیت‌های ارضی (ضوابط ملی آمایش سرزمین، ماده ۱، بند ۲۰)؛
۲-۲. بازتعریف و سطح‌بندی مراکز اصلی صنعتی کشور برحسب مقیاس، میزان پیشرفت صنایع و خدمات استقرار یافته در تعیین میدان‌های مهم با عملکرد ملی (ضوابط ملی آمایش سرزمین، ماده ۱، بند ۳۳)؛
۳-۲. تخلیه و توزیع کالا برحسب حوزه عملکرد و سطح‌بندی مبادی و خروجی کالا برحسب ظرفیت و عملکرد (ضوابط ملی آمایش سرزمین، ماده ۱، بند ۲۹)؛
۴-۲. سطح‌بندی مراکز اصلی گردشگری با عملکرد ملی و بین‌المللی (ضوابط ملی آمایش سرزمین، ماده ۱، بند ۳۱)؛
۵-۲. تعیین تقریبی موقعیت مکانی سدهای مخزنی و شبکه‌های انتقال آب حوزه‌ای.

۳. بعد توزیع فضایی

- ۳-۱. طراحی شبکه‌های راه‌های اصلی جاده‌ای، راه‌آهن و فرودگاه‌ها، تعیین تقریبی موقعیت مکانی نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌های جدید (ضوابط ملی آمایش سرزمین، ماده ۱، بند ۶)؛
۲-۳. طراحی شبکه‌های خطوط لوله گاز و فرآورده‌های نفتی و توزیع برق؛
۳-۳. تعیین محورهای فضایی توسعه (خنیف، ۱۳۸۹: ۵؛ ضوابط ملی آمایش سرزمین، ماده ۱، بند ۷).

بنابراین، می‌توان نمودار مربوط به شاخص‌های آمایش سرزمین را- که با توجه به ضوابط ملی آمایش سرزمین و ادبیات نظری موجود این حوزه استخراج شده است- برای تحلیل برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه به کار گرفت:



نمودار ۱. شاخص‌های پیش‌بینی‌شده در آمایش سرزمین برای تحلیل اسناد توسعه کشور

مروری بر برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی در ایران

نخستین اقدام رسمی برای نظم‌دادن به اقتصاد درهم‌ریخته ایران و تهیه «طرح نقشه‌های اقتصادی»، به تأسیس شورای اقتصاد در سال ۱۳۱۶ بازمی‌گردد (عظیمی، ۱۳۸۹: ۱۶۵-۱۶۶). تدوین برنامه‌های عمرانی نیز که از سال ۱۳۲۷ آغاز شد، مربوط به سال ۱۳۲۴ است (رزاقی، ۱۳۶۸). برنامه‌های توسعه پیش از انقلاب شامل دو برنامه هفت‌ساله و سه برنامه پنج‌ساله تا سال ۱۳۵۶ است. محور توسعه در دو برنامه اول، کشاورزی و در سه برنامه بعدی، صنعت بود و سهم امور اجتماعی و مواردی مانند بهداشت عمومی، تأمین آب و برق و اسکان عشایر، به‌علت تغییرات در منابع مالی حاصل از درآمدهای نفتی، اندک بود (سازمان برنامه‌بودجه، ۱۳۵۳: ۴). دوره‌های برنامه‌ریزی پس از انقلاب اسلامی را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد که نخستین آن، از رویداد انقلاب در سال ۱۳۵۷ تا پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۸ است. برنامه اول توسعه (۱۳۶۹-۱۳۷۳) نیز که پس از اتمام جنگ ایران و عراق اجرا شد، عمدتاً بازسازی مناطق جنگی و سازندگی بود (مؤمنی، ۱۳۹۰). در این برنامه، با اختصاص دو تبصره ۵ و ۶، به برنامه‌ریزی منطقه‌ای در جهت تمرکززدایی اداری-سیاسی، کاهش تصدیگری دولت و تفویض اختیارات به مناطق (استان‌ها) توجه شد (سیف‌الدینی، ۱۳۸۹: ۸۳-۸۹).

دوره دوم، به سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳^۱ بازمی‌گردد که شامل دو برنامه دوم و سوم توسعه است. برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸) براساس سیاست تعدیل اقتصادی تدوین شد و در آن به امور تولید، سرمایه‌گذاری، مصرف، بودجه عمومی دولت، پول، اعتبار، بازرگانی خارجی و اشتغال، توجه خاصی صورت گرفت (مؤمنی، ۱۳۹۰). همچنین در این برنامه، بر تحقق اهدافی مانند عدالت اجتماعی، خط‌مشی‌های تقسیم بهینه منابع و امکانات عمومی برای ارتقای استان‌ها و مناطق پایین‌تر از متوسط کشور و توجه به مناطق محروم، محدودیت‌زدایی و ایجاد تعادل منطقه‌ای در قالب رویکردی آمایشی تأکید شد (سیف‌الدینی، ۱۳۸۹: ۸۳-۸۹).

برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳) نیز با ادامه سیاست تعدیل اقتصادی و با تأکید بر اصلاح ساختاری در سیاست‌های کلان اقتصادی و نظام تأمین اجتماعی و توسعه عدالت‌محور تدوین شد (مؤمنی، ۱۳۹۰). همچنین در این برنامه، بر فراهم‌ساختن بسترهای مناسب برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای، از طریق تمرکززدایی اداری-سیاسی، کاهش تصدیگری دولت و تفویض اختیارات به مناطق، انتقال وظایف اجرایی به واحدهای استانی و شهرستانی، تأکید بر اجرای غیرمتمرکز برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی در استان‌ها، تشکیل شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و کمیته برنامه‌ریزی شهرستان، تشکیل خزانه معین استان به‌منظور ساماندهی نظام غیرمتمرکز درآمد هزینه استانی و تشکیل ستاد درآمد و تجهیز منابع استان تأکید شد (سیف‌الدینی، ۱۳۸۹: ۸۳-۸۹). دوره سوم نیز از سال ۱۳۸۴ تاکنون است و شامل دو برنامه چهارم و پنجم توسعه می‌شود. تمهیدات تدوین برنامه چهارم توسعه- که برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۸ را مشخص می‌کند- از اواخر تابستان ۱۳۸۱ در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور آغاز شد. نظام برنامه‌ریزی برنامه چهارم توسعه با تغییرات ماهوی آن در ارتباط با برنامه در یک فرایند پنج‌سطحی^۲ در مردادماه ۱۳۸۲ به تصویب هیئت وزیران رسید. با تصویب نظام برنامه‌ریزی، اقدام‌های مربوط به تهیه سند برنامه چهارم توسعه در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سایر دستگاه‌های اجرایی دنبال شد و هفت کمیته مشترک برنامه‌ریزی و به‌تبع آن ۲۲ کمیته تخصصی پیش‌بینی‌شده در نظام برنامه‌ریزی، با حضور اندیشمندان و

۱. این دوره، مقارن با اواسط کار دولت ششم و تمامی دوره دولت‌های هفتم و هشتم است.

۲. پنج سطح یادشده شامل تهیه چشم‌انداز بلندمدت جمهوری اسلامی ایران، تهیه سیاست‌های کلی نظام، تهیه لایحه برنامه چهارم توسعه، تهیه اسناد برنامه و تهیه آیین‌نامه‌های اجرایی است.

صاحب‌نظران مختلف تجزیه و تحلیل شدند (کردبچه، ۱۳۸۸: ۳۵۱). سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه کشور نیز به دلیل همزمانی تقریبی‌اش با تدوین چشم‌انداز ۲۰ ساله ۱۴۰۴، ضرورت و لزوم هم‌راستایی و تناسب میان شاخص‌های کمی کلان از قبیل نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ، آموزش و پژوهش، توانایی‌های دفاعی و امنیتی، با سیاست‌های توسعه و اهداف و الزام‌های چشم‌انداز را دربرداشت. برنامه چهارم توسعه کشور شامل ۶ بخش و ۱۵ فصل بود.

برنامه پنجم توسعه کشور نیز هم‌راستا با اهداف و سیاست‌های کلی چشم‌انداز ۱۴۰۴، در قالب سه بخش و ۱۱ فصل تدوین شد که در بخش اول چشم‌انداز ۱۴۰۴، در قالب دو فصل سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه پنجم آمده است. اصل برنامه - که در بخش دوم بیان شده است - در ۹ فصل آمده است و قوانین و مقررات تنفیذی و ارجاعی در قانون برنامه پنجم نیز در بخش سوم در قالب دو فصل، ارائه شده است.

جدول ۲. مواد قانونی در حوزه اقتصاد در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه کشور

برنامه پنجم		برنامه چهارم	
فصل پنجم: اقتصادی		بخش اول: رشد اقتصاد ملی دانایی محور	
عناوین و سرفصل‌های مربوط به اقتصاد	عناوین و سرفصل‌های مربوط به اقتصاد	عناوین و سرفصل‌های مربوط به اقتصاد	عناوین و سرفصل‌های مربوط به اقتصاد
مواد قانونی	مواد قانونی	مواد قانونی	مواد قانونی
مواد ۶۹ تا ۷۸	بهبود فضای کسب‌وکار	مواد ۱ تا ۳۲ (۳۲ ماده قانون)	بسترسازی برای رشد سریع اقتصادی
ماده ۷۹	بهره‌وری	مواد ۳۳ تا ۳۶ (چهار ماده قانون)	تعامل فعال با اقتصاد جهانی
ماده ۸۰	اشتغال	مواد ۳۷ تا ۴۲ (شش ماده قانون)	رقابت‌پذیری اقتصادی
مواد ۸۱ تا ۸۵	ارز	مواد ۴۳ تا ۵۷ (پانزده ماده قانون)	توسعه مبتنی بر دانایی

۱. سیاست‌های کلی نظام در چشم‌انداز سال ۱۴۰۴، شامل سیاست‌هایی در زمینه مشارکت بخش‌های تعاونی و خصوصی در اقتصاد و حدود فعالیت بخش دولتی، امنیت اقتصادی، انرژی (سیاست‌های کلی نفت و گاز، منابع آب و معدن) و منابع طبیعی، حمل‌ونقل، پیشگیری و کاهش خطرهای ناشی از سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه، امنیت قضایی، مبارزه با مواد مخدر و شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای است.

ادامه جدول ۲. مواد قانونی در حوزه اقتصاد در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه کشور

برنامه پنجم		برنامه چهارم	
فصل پنجم: اقتصادی		بخش اول: رشد اقتصاد ملی دانایی محور	
مواد ۸۶ تا ۹۸	پول و بانک		
مواد ۹۹ و ۱۰۰	بازار سرمایه		
مواد ۱۰۱ تا ۱۱۰	تجارت		
ماده ۱۱۱	سرمایه‌گذاری خارجی		
ماده ۱۱۲	مناطق آزاد		
مواد ۱۱۳ تا ۱۱۶	بیمه‌های بازرگانی		
مواد ۱۱۷ و ۱۱۸	کاهش وابستگی به نفت		
مواد ۱۱۹ تا ۱۲۳	اصلاح نظام مالیاتی		
ماده ۱۲۴	توسعه تعاون		
مواد ۱۲۵ تا ۱۳۲	نفت و گاز		
مواد ۱۳۳ تا ۱۳۴	برق		
مواد ۱۳۵ تا ۱۳۹	انرژی‌های پاک		
مواد ۱۴۰ تا ۱۴۲	منابع آب		
مواد ۱۴۳ تا ۱۴۹	کشاورزی		
مواد ۱۵۰ تا ۱۶۰	صنعت و معدن		
مواد ۱۶۱ تا ۱۶۵	حمل و نقل		
مواد ۱۶۶ تا ۱۷۶	مسکن		
ماده ۱۷۷	وقف		
		۵۷ ماده قانون بدون	
۱۰۸ ماده قانون	جمع کل مواد قانونی در حوزه اقتصادی	در نظر گرفتن فصل چهارم با ۴۲ ماده قانون	جمع کل مواد قانونی در حوزه اقتصادی

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌ها

پس از مرور ادبیات نظری در حوزه آمایش سرزمین و مطالعه ضوابط ملی آن، شاخص‌هایی استخراج شد که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود. در برنامه چهارم توسعه، اولین بخش به اقتصاد

تعلق دارد که میزان اهمیت و توجه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران به این حوزه را نشان می‌دهد. این بخش، شامل چهار فصل با عناوین کلی است که در جدول ۱ دیده می‌شود. دو فصل بسترسازی برای رشد اقتصادی و توسعه مبتنی بر دانایی، بیشترین ماده‌قانون را دارند. در برنامه پنجم توسعه، در بخش اول با عنوان رشد اقتصاد ملی دانایی‌محور، چهار فصل در حوزه اقتصادی تعریف شده است که به‌طورکلی، ۹۹ ماده‌قانون دارد. عناوین چهار فصل موجود در بخش اقتصادی، به مقوله‌هایی مانند رشد سریع اقتصادی، ارتباط‌های بین‌المللی در حوزه اقتصاد، بازار آزاد و ایجاد فضای باز رقابتی و رشد و توسعه، هم‌جهت با گسترش و ارتقای دانش اشاره دارد. فصل اول با عنوان «بسترسازی برای رشد سریع اقتصادی» دارای ۳۲ ماده‌قانون، فصل دوم با عنوان «تعامل فعال با اقتصاد جهانی» دارای چهار ماده‌قانون و فصل سوم با عنوان «رقابت‌پذیری اقتصادی» مشتمل بر شش ماده‌قانون است. به‌طورکلی، بخش اول برنامه، با عنوان «رشد اقتصادی ملی دانایی‌محور»، مشتمل بر ۵۷ ماده‌قانون است که در این مبحث، ۴۲ ماده‌قانون مربوط به سه فصل اول در برنامه چهارم، بررسی می‌شوند.

شایان ذکر است در برنامه چهارم توسعه، فصلی با عنوان «حفظ محیط زیست، آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای» در نظر گرفته شده که مشتمل بر ۲۶ ماده‌قانونی است و از این تعداد، یازده ماده‌قانونی به‌طورمستقیم به موضوع آمایش سرزمین می‌پردازند.

در برنامه پنجم توسعه کشور، فصل پنجم به اقتصاد و سیاستگذاری‌های کلان اقتصادی اختصاص دارد. در این فصل، ۱۰۸ ماده‌قانونی وجود دارد که در سرفصل‌هایی به تفکیک قرار گرفته‌اند؛ مانند کسب‌وکار و اشتغال، سیاست‌های پولی، تجارت و روابط اقتصادی بین‌المللی، منابع انرژی فسیلی و تبدیلی، مسکن، کشاورزی و صنعت. در مقاله حاضر، هشت سرفصل اول- که در جدول ۱ نیز آمده- تحلیل شده است. در نوشتار حاضر، سرفصل‌هایی مانند بهبود فضای کسب‌وکار، بهره‌وری، اشتغال، ارز، پول و بانک، بازار سرمایه، تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی و مناطق آزاد، شامل ۴۳ ماده‌قانون بررسی شده است.

مانند برنامه چهارم توسعه، در برنامه پنجم فصلی به آمایش سرزمین اختصاص یافته است؛ با این تفاوت که واژه آمایش از عنوان فصل حذف شده و به هدف مذکور با عنوان «توسعه منطقه‌ای» و در مواد قانونی ۱۷۸ تا ۱۹۴ (۱۷ ماده‌قانون) توجه شده است.

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، در نوشتار حاضر، جدا از فصولی که به هدف آمایش و برنامه‌ریزی فضایی نگاشته شده است، ایده برنامه‌ریزی فضایی و توزیع متوازن در فصول اقتصاد و برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی ارزیابی می‌شود؛ بنابراین، در برنامه چهارم توسعه کشور، بخش اول بررسی شد که نتایج آن در پی می‌آید.

یافته‌های تحلیلی برنامه چهارم توسعه کشور

۱. بعد جمعیتی:

۱-۱. توجه به شاخص‌های جمعیتی در برنامه‌ریزی: در برنامه چهارم، در دو ماده قانون با موضوع اجرای طرح‌های مدیریت الگوی مصرف آب برای مشترکان پرمصرف شهر و روستا، تعیین الگوی مصرف مازاد دولت با توجه به تعداد افراد خانوار و منطقه جغرافیایی و...، به مبحث فضا و موقعیت جغرافیایی توجه شده است.

۲-۱. منطقه‌بندی فضایی (شهر یا روستا) به عنوان مکان اجرای سیاست‌های اقتصادی: یک ماده قانون با موضوع اختصاص اراضی به نیروی کار آفرین بومی بخش آب و کشاورزی، تلویحاً به روستاها اشاره دارد.

۳-۱. اولویت‌بندی مناطق برای اجرای سیاست‌های اقتصادی: نه ماده قانون با موضوع‌های اعتباردهی از حساب ذخیره ارزی به حوزه صنعتی، معدنی و کشاورزی، همکاری استانی و بخشی و ملی در جهت اجرای سیاست‌های حوزه اقتصادی، ارائه تسهیلات بانکی با توجه به اولویت‌های منطقه‌ای، برگزاری مناقصه‌ها و تصمیم‌گیری حوزه صنعت نفت در استان‌های خاص، الزام شورای بورس به گسترش بورس منطقه‌ای و استانی، ارائه تسهیلات توسعه‌ای به مناطق کمتر توسعه‌یافته، استقلال در مقررات و تشریفات گمرکی مناطق آزاد، به محل اجرای سیاست‌های اقتصادی اشاره دارد.

۴-۱. منطقه‌بندی فضایی برحسب شاخص مهاجرت: یک ماده قانون به موضوع مهاجرت‌های عشایر و الزام دولت در جهت اسکان عشایر با حفظ توانمندی‌شان اشاره دارد.

جدول ۳. سیاستگذاری‌های اقتصادی با رویکرد آمایش سرزمین در برنامه چهارم توسعه کشور

توضیحات	موارد دیده‌شده در متن سند	شاخص‌های اصلی	ردیف	ابعاد آمایش در برنامه‌ها
گسترش فرهنگ صحیح و منطقی مصرف آب از طریق الگوی مصرف بهینه، نصب کنتور برای اصلاح تعرفه‌ها برای مشترکان پرمصرف و اجرای طرح‌های مدیریت مصرف آب در شهرها و روستاهای کشور	فصل اول، ماده ۱۷	توجه به شاخص‌های جمعیتی در برنامه‌ریزی	۱	
تعیین الگوی مصرف و مصارف مازاد توسط دولت براساس عواملی مانند تعداد افراد خانوار، مناطق جغرافیایی، شرایط اقلیمی و محیط‌های شهری	فصل اول، ماده ۲۰	منطقه‌بندی فضایی (شهر- روستا) به‌عنوان مکان اجرای سیاست‌های اقتصادی	۲	
ایجاد حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت نزد بانک مرکزی به‌منظور استفاده از آن در جهت تأمین مصارف بودجه عمومی، سرمایه‌گذاری و اعتباردهی به کارآفرینی صنعتی، معدنی، کشاورزی، حمل‌ونقل و خدمات و... تا سقف ۵۰ درصد	فصل اول، ماده ۲			بعد جمعیتی
همکاری تمام دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی برای تدوین اسناد ملی، بخشی و استانی به‌منظور حرکت از اقتصاد نهاده‌محور به اقتصاد بهره‌محور	فصل اول، ماده ۵	اولویت‌بندی مناطق و محدوده‌های اجرای سیاست‌های اقتصادی	۳	
ارائه هرگونه سهمیه‌بندی تسهیلات بانکی (به-تفکیک بخش‌های مختلف اقتصادی و منطقه‌ای) و اولویت‌های مربوط به بخش‌ها و مناطق، از طریق تشویق سیستم بانکی و با استفاده از یارانه نقدی و وجوه اداری	فصل اول، ماده ۱۰			
برگزاری مناقصه برای تفویض وظایفی مانند شناسایی و اکتشاف میدان‌های نفت و گاز به شرکت‌های پیمانکار به‌استثنای استان‌های خوزستان، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد الزام شورای بورس به گسترش جغرافیایی بورس از طریق راه‌اندازی تالارهای منطقه‌ای جهانی به‌منظور مبادله اطلاعات و پذیرش متقابل اوراق بهادار	فصل اول، ماده ۱۴			
	فصل اول، ماده ۱۵			

ادامه جدول ۳. سیاستگذاری‌های اقتصادی با رویکرد آمایش سرزمین در برنامه چهارم توسعه کشور

ابعاد آمایش در برنامه‌ها	ردیف	شاخص‌های اصلی	موارد دیده‌شده در متن سند	توضیحات
			فصل اول، ماده ۲۷	اختصاص تسهیلات متناسب با سهم به متقاضیان سرمایه‌گذاری در طرح‌های اشتغال‌زایی مناطق کمتر توسعه یافته
			فصل اول، ماده ۳۰	اختصاص یارانه کارمزد تسهیلات مسکن به سازندگان بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی واحدهای مسکونی ارزان‌قیمت و استیجاری در چارچوب ضوابط و استانداردهای مصوب در شهرهای کوچک و متوسط و تمامی روستاهای کشور برای گروه‌های کم‌درآمد، کارگران، کارمندان و زنان سرپرست خانوار
			فصل دوم، ماده ۳۵	استقلال در مقررات صدور و ورود کالا و تشریفات گمرکی در محدوده منطقه، آزادی در ورود و خروج سرمایه و سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی در هر منطقه
			فصل اول، ماده ۱۹	الزام دولت به اتخاذ سیاست‌هایی برای ارتقای شاخص‌های توسعه روستایی و عشایری در جهت افزایش شاخص‌های توسعه روستایی تا حداقل ۲۵ درصد در برنامه چهارم توسعه، اسکان عشایر با حفظ توانمندی‌های اقتصادی در حد ۵۰ درصد جمعیت عشایر کشور، پرداخت صددرصد اعتبارات روستایی و عشایری و تخصیص داده‌شده در طول برنامه
	۴	منطقه‌بندی فضایی برحسب شاخص مهاجرت		
	۵	منطقه‌بندی فضایی برحسب شاخص‌های جمعیتی مانند نرخ رشد جمعیت و...		
بعد توزیع فعالیت‌ها و امکانات	۶	توجه به ویژگی‌های جمعیتی مناطق کشور منطقه‌بندی فضایی		
	۷	برحسب نوع معیشت غالب (رتبه‌بندی مناطق از نظر تجاری، صنعتی، کشاورزی-دامداری)	فصل اول، ماده ۱۷	الزام دولت به اتخاذ تدابیری برای ایجاد تطبیق الگوی کشت در مناطق مختلف با امکانات و ظرفیت‌های آبی و افزایش کارایی اقتصادی آب به منظور افزایش بازدهی
			فصل دوم، ماده ۳۵	تعیین شیوه استفاده از زمین، منابع مالی و... در مالکیت دولت در چارچوب برنامه‌های عمرانی هر منطقه

ادامه جدول ۳. سیاستگذاری‌های اقتصادی با رویکرد آمایش سرزمین در برنامه چهارم توسعه کشور

ابعاد آمایش در برنامه‌ها	ردیف	شاخص‌های اصلی	موارد دیده‌شده در متن سند	توضیحات
				معرفی سه منطقه آزاد کیش، قشم و چابهار به منظور تسریع در انجام امور زیربنایی، عمرانی و آبادانی، رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه خدمات عمومی از قبیل برق، آب و مخابرات، سوخت و سایر خدمات با نرخ‌های مصوب جاری در مناطق آزاد همان منطقه جغرافیایی
	۸	معرفی قطب‌های اصلی تجاری، کشاورزی- دامداری و صنعتی	فصل دوم ماده ۳۵	
	۹	معرفی مراکز گردشگری	-	-
				مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و مساکن شهری و روستایی در مقابل زلزله و بهینه‌سازی ساخت‌وساز انرژی
	۱۰	مکان‌یابی برای اجرای طرح‌های زیربنایی مانند پروژه‌های برق‌رسانی، پالایشگاه، گازرسانی و...	فصل اول ماده ۳	کمک مستقیم و جبرانی به اقشار آسیب‌پذیر از طریق نظام تأمین اجتماعی، اختصاص یارانه به ماشین‌آلات کشاورزی، قیمت‌گذاری حداقلی بر گاز طبیعی برای ارائه به صنایع، مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و مساکن شهری و روستایی در مقابل زلزله، کمک به بهبود کیفیت حمل‌ونقل عمومی
بعد توزیع فضایی				تکمیل حداقل ۷۰ درصد شبکه راه‌های روستایی مرتبط‌کننده روستاهایی که بیش از یکصد خانوار جمعیت دارند
	۱۱	تعیین محورهای فضایی توسعه	فصل اول ماده ۲۵	ایجاد مناطق ویژه صنایع مبتنی بر فناوری‌های برتر در جوار قطب‌های علمی- صنعتی، ایجاد شهرک‌های فناوری در مکان‌های مناسب

منبع: یافته‌های پژوهش

۲. بعد توزیع فعالیت‌ها و امکانات

۱-۲. رتبه‌بندی مناطق از نظر نوع معیشت: دو ماده قانون، به موضوع‌های الزام دولت به استفاده از الگوی کشت با توجه به ویژگی‌های منطقه و تعیین شیوه‌های بهره‌وری از زمین براساس برنامه‌های عمرانی منطقه اختصاص دارد.

۲-۲. معرفی قطب‌های اصلی تجاری، کشاورزی و صنعتی: در یک ماده قانون، قانونگذار به معرفی سه منطقه آزاد پرداخته و آن‌ها را مجاز به اجرای سیاست‌های تنظیم بازار و واردات و صادرات، انجام امور عمرانی و زیربنایی در سطح مناطق دانسته است.

۳-۲. معرفی مراکز اصلی گردشگری: در این برنامه، به محور توسعه گردشگری توجه نشده است.

۳. بعد توزیع فضایی

۱-۳. مکان‌یابی برای اجرای طرح‌های زیربنایی: یک ماده قانون با تبصره‌هایی مجزا به موضوع‌هایی مانند مقاوم‌سازی ساختمان‌های شهری و روستایی، بهبود کیفیت حمل‌ونقل، تعیین حداقل‌ها در قیمت‌گذاری انرژی در مناطق با ساکنان و اقشار آسیب‌پذیر پرداخته است.

۲-۳. تعیین محورهای فضایی توسعه: طی دو ماده قانون با موضوع توسعه راه‌های روستایی و احداث مناطق فناوری در جوار قطب‌های علمی و صنعتی، محورهای توسعه مشخص شده است.

● یافته‌های تحلیلی برنامه پنجم توسعه کشور

برنامه پنجم توسعه کشور نیز با توجه به شاخص‌هایی شبیه به سیاست‌های اقتصادی، با رویکرد آمایش سرزمین، تحلیل و نتایج آن در جدول ۳ درج شد. همان‌طور که از جدول پیرو نیز برمی‌آید، در برنامه پنجم توسعه کشور، مواد قانونی که منطبق با شاخص‌های تحقیق در حوزه توسعه فضایی باشد، استخراج نشده است.

۱. بعد جمعیتی

مواد قانونی منطبق با مواردی مانند توجه به شاخص‌های جمعیتی در برنامه‌ریزی، منطقه‌بندی فضایی (شهر یا روستا) به‌عنوان مکان اجرای سیاست‌های اقتصادی و منطقه‌بندی فضایی برحسب شاخص مهاجرت، در تحلیل بخش اقتصادی برنامه پنجم کشور مشاهده نشد.

اولویت‌بندی مناطق برای اجرای سیاست‌های اقتصادی

دو ماده قانونی با موضوع‌هایی چون مجازدانستن بانک‌ها به جلب سرمایه از شهرداری‌ها و منابع غیردولتی سرمایه و توزیع اوراق مشارکت، به توسعه محلی پرداخته است. همچنین دولت در ماده قانون جداگانه‌ای، برای اعتباردهی به طرح‌ها و تسهیلات به پروژه‌های توسعه‌ای، موظف به ایجاد صندوق توسعه ملی شده و مکان استقرار آن، تهران در نظر گرفته شده است.

جدول ۴. سیاست‌گذاری‌های اقتصادی با رویکرد آمایش سرزمین در برنامه پنجم توسعه کشور

ابعاد آمایش در برنامه‌ها	ردیف	شاخص‌های اصلی	ماده قانون	توضیحات
	۱	توجه به شاخص‌های جمعیتی در برنامه‌ریزی	-	-
	۲	منطقه‌بندی فضایی (شهر - روستا) به‌عنوان مکان اجرای سیاست‌های اقتصادی	-	-
			ماده ۸۲	مجازدانستن بانک‌های تجاری و تخصصی به تأمین منابع مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری بخش‌های غیردولتی و شهرداری‌ها از منابع بین‌المللی بدون تضمین دولت
			ماده ۸۳	مجازدانستن بانک مرکزی، شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها به انتشار اوراق مشارکت در جهت تأمین منابع مالی پروژه‌های زیربنایی توسعه‌ای دولتی و طرح‌های سرمایه‌گذاری ایجاد صندوق توسعه ملی متعلق به دولت با هدف تبدیل بخشی از عواید فروش نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های زاینده اقتصادی و استقرار آن در تهران. اعطای تسهیلات (خرید صادرات خدمات فنی و مهندسی) به بخش‌های خصوصی، تعاونی و بنگاه‌های اقتصادی متعلق به مؤسسه‌های عمومی غیردولتی، سرمایه‌گذاری در بازارهای پولی و مالی خارجی. اعطای تسهیلات به سرمایه‌گذار خارجی با در نظر گرفتن شرایط رقابتی و بازدهی مناسب اقتصادی به منظور جلب حمایت از سرمایه‌گذاری در ایران
بعد جمعیتی	۳	اولویت‌بندی مناطق و محدوده‌های اجرای سیاست‌های اقتصادی		

ادامه جدول ۴. سیاست‌گذاری‌های اقتصادی با رویکرد آمایش سرزمین در برنامه پنجم توسعه کشور

ابعاد آمایش در برنامه‌ها	ردیف	شاخص‌های اصلی	ماده قانون	توضیحات
	۴	منطقه‌بندی فضایی برحسب شاخص مهاجرت	-	-
	۵	منطقه‌بندی فضایی برحسب شاخص‌های جمعیتی مانند نرخ رشد جمعیت و...	-	-
	۶	توجه به ویژگی‌های جمعیتی مناطق کشور	-	-
بعد توزیع فعالیت‌ها و امکانات	۷	منطقه‌بندی فضایی برحسب نوع معیشت غالب (رتبه‌بندی مناطق از نظر تجاری، صنعتی، کشاورزی- دامداری)	ماده ۸۰	الزام دولت به توسعه کارآفرینی، افزایش تعادل منطقه‌ای و توسعه مشاغل نو از طریق: ۱. حمایت مالی و تشویق توسعه شبکه‌ها، خوشه‌ها و زنجیره‌های تولیدی، ۲. ایجاد پیوند مناسب بین بنگاه‌های کوچک، متوسط و بزرگ و اعطای کمک‌های هدفمند برای تقویت توان آن‌ها، ۳. رفع مشکل‌ها و موانع رشد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط و کمک به بلوغ آن‌ها، ۴. حمایت مالی از بخش غیردولتی به منظور توسعه و گسترش آموزش‌های کسب و کار، کارآفرینی، فنی- و حرفه‌ای و علمی- کاربردی و ۵. اعمال تخفیف پلکانی یا تأمین بخشی از حق بیمه سهم کارفرمایان کارگاه‌های تازه تأسیس
	۸	معرفی قطب‌های اصلی تجاری، کشاورزی- دامداری و صنعتی	-	-
	۹	معرفی مراکز گردشگری	-	-
بعد توزیع فضایی	۱۰	مکان‌یابی برای اجرای طرح‌های زیربنایی مانند پروژه‌های برق‌رسانی، پالایشگاه، گازرسانی و...	-	-
	۱۱	تعیین محورهای فضایی توسعه	-	-

منبع: یافته‌های پژوهش

۲. بعد توزیع فعالیت‌ها و امکانات

رتبه‌بندی مناطق از نظر نوع معیشت: دولت طی یک ماده قانون موظف به توسعه منطقه‌ای، توجه به کارآفرینی بومی، توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط و ارائه تسهیلات و امکانات منطقه‌ای شده است که تلویحاً شامل مناطق کمتر توسعه یافته و بدون امکانات صنعتی، کشاورزی، دامداری و... است. شایان ذکر است که مواد قانونی مربوط به شاخص‌هایی مانند معرفی قطب‌های اصلی تجاری، کشاورزی و صنعتی و معرفی مراکز اصلی گردشگری، در برنامه پنجم توسعه دیده نشده است.

۳. بعد توزیع فضایی

مواد قانونی مربوط به شاخص‌هایی مانند مکان‌یابی برای اجرای طرح‌های زیربنایی و تعیین محورهای فضایی توسعه، در پژوهش حاضر دیده نشده است.

نتیجه‌گیری

دستیابی به توسعه، مترادف با تعریف اهداف و شاخص‌هایی است که از سوی دولت و در قالب برنامه‌ریزی منسجم، به بیان سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و تعریف چشم‌انداز بلندمدت در کشور می‌پردازد. یکی از زمینه‌های مهم ورود دولت به فعالیت‌ها و امور اقتصادی، اتخاذ تصمیم‌های کلان در ایجاد ثبات اقتصادی است که خود زمینه لازم برای رشد و توسعه اقتصادی را به‌عنوان یکی از اهداف کلان سیاست‌گذاری در کشور فراهم می‌آورد. اسناد کلان و فرادستی توسعه در ایران نیز از جمله برنامه‌ریزی‌هایی هستند که با تمرکز بر محورهای موضوعی خاصی چون آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی فضایی، حرکت در مسیر افزایش بهره‌وری اقتصاد منطقه‌ای و توسعه متوازن را تسهیل می‌کنند. حال آنکه در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اغلب توجه صرف به ابعاد اقتصادی، به غفلت از سایر ابعاد و همبستگی آن با سایر بخش‌ها منجر می‌شود و زمینه تراکم امکانات، تسهیلات و پتانسیل‌های اقتصادی در یک منطقه خاص را بدون ترسیم نقشه پیشرفت آن و توجه به زیرساخت‌های موجود فراهم می‌سازد. این غفلت، عوارض ناخواسته اجتماعی چون توسعه نامتوازن مناطق، دوقطبی شدن و گسترش نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی را به دنبال دارد؛ بنابراین، با توجه به اهمیت موضوع و دامنه گسترده پیامدی آن، پاسخ به این

پرسش حائز اهمیت است که آیا در تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی کلان ایران، به توزیع جمعیتی، پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های منطقه‌ای توجه شده است.

برای پاسخ به این پرسش، دو برنامه چهارم و پنجم پس از انقلاب، به‌عنوان اسناد بالادستی و کلان، بررسی و تحلیل شدند. همچنین به‌منظور ارائه تحلیل کارآمد و تعیین مقوله‌های تحلیلی مناسب، پس از مروری بر ادبیات اسناد توسعه کشور، بررسی پیشینه مفهوم آمایش سرزمین و چارچوب ضوابط ملی آمایش سرزمین، شاخص‌هایی در ابعاد جمعیتی، توزیع فعالیت‌ها و امکانات و بعد فضایی پیش‌بینی شد.

نتایج نشان می‌دهد که هر یک از دو برنامه مورد مطالعه، در دو فصل مجزا به مقوله آمایش سرزمین و توسعه منطقه‌ای توجه داشته‌اند. در برنامه چهارم توسعه، در بخش اول با موضوع اقتصاد، چهار فصل در حوزه اقتصادی وجود دارد که از نظر کمی ۹۹ ماده قانون دارد و با بخش اقتصادی در برنامه پنجم، از منظر کیفی و کمی متفاوت است. در برنامه پنجم توسعه، بخش اقتصادی شامل سرفصل‌های متعددی است که به‌صورت موضوعی و منفک از یکدیگر، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی را مشخص می‌سازد. در این برنامه، ۱۰۸ ماده قانونی وجود دارد که در سرفصل‌هایی مانند کسب‌وکار و اشتغال، سیاست‌های پولی، تجارت و روابط اقتصادی بین‌المللی، منابع انرژی فسیلی و تبدیلی، مسکن، کشاورزی و صنعت بیان شده‌اند. در مقاله حاضر، هشت سرفصل اول با موضوع‌هایی مانند «بهبود فضای کسب‌وکار، بهره‌وری، اشتغال، ارز، پول و بانک، بازار سرمایه، تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی و مناطق آزاد» شامل ۴۳ ماده قانون بررسی شد. بخش اقتصادی برنامه پنجم، از نظر هدفمندی موضوعی و سهولت در مراجعه و مطالعه، بر برنامه چهارم برتری دارد. حال آنکه در برنامه چهارم، سرفصل‌های کلانی مانند «بسترسازی برای رشد سریع اقتصادی»، «تعامل فعال با اقتصاد جهانی»، «رقابت‌پذیری اقتصادی» و «رشد اقتصاد ملی دانایی‌محور» پیش‌بینی شده است که به‌استثنای فصل آخر، یعنی رشد اقتصاد ملی دانایی‌محور، در قالب ۵۷ ماده قانون براساس شاخص‌ها و معیارهای آمایشی تحلیل شد.

در برنامه چهارم، همه معیارها و شاخص‌های مربوط به بعد جمعیت، توزیع امکانات و فعالیت‌ها و توزیع فضایی مورد نظر بوده است. یازده ماده قانون (مواد قانونی ۲، ۵، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۷، ۳۰ و ۳۵)، از برنامه چهارم توسعه کشور استخراج شد که با مواردی مانند توجه به شاخص‌های جمعیتی در برنامه‌ریزی، اولویت‌بندی مناطق برای اجرای سیاست‌های

اقتصادی، منطقه‌بندی فضایی (شهر یا روستا) به‌عنوان مکان اجرای سیاست‌های اقتصادی و منطقه‌بندی فضایی برحسب شاخص مهاجرت منطبق است و با بعد خانوار، کارآفرینی بومی، تصمیم‌گیری و سیاستگذاری منطقه‌ای و اسکان عشایر هم‌راستا است. حال آنکه تحلیل برنامه پنجم توسعه، با مقوله‌های تحلیلی مشابه، بیانگر آن است که مواد قانونی منطبق با مواردی مانند توجه به شاخص‌های جمعیتی در برنامه‌ریزی، منطقه‌بندی فضایی (شهر یا روستا) به‌عنوان مکان اجرای سیاست‌های اقتصادی و منطقه‌بندی فضایی برحسب شاخص مهاجرت، در تحلیل بخش اقتصادی برنامه پنجم کشور، مورد توجه نبوده و در قالب مواد قانونی، پیش‌بینی نشده است. فقط سه ماده قانون (مواد قانونی ۸۲، ۸۳ و ۸۴) با موضوع‌هایی مانند مجازدانستن بانک‌ها به جلب سرمایه از شهرداری‌ها و منابع سرمایه غیردولتی و توزیع اوراق مشارکت در جهت توسعه محلی، به مبحث اولویت‌بندی مناطق برای اجرای سیاست‌های اقتصادی، به‌عنوان شاخصی از بعد جمعیتی توجه داشته‌اند.

بررسی بعد دوم رویکرد آمایشی، یعنی بعد توزیع فعالیت‌ها و امکانات در برنامه اقتصادی چهارم توسعه پس از انقلاب نیز نشان می‌دهد که برنامه مذکور به دو شاخص رتبه‌بندی مناطق از نظر نوع معیشت و معرفی قطب‌های اصلی تجاری، کشاورزی و صنعتی طی بیان دو ماده قانون (مواد قانونی ۱۷ و ۳۵) توجه داشته، اما شاخص معرفی مراکز اصلی گردشگری، مغفول مانده است. تحلیل مشابه در برنامه پنجم توسعه پس از انقلاب نیز نشان می‌دهد دولت طی یک ماده قانون (ماده ۸۰ قانون پنجم توسعه) موظف به توسعه منطقه‌ای، توجه به کارآفرینی بومی، توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط و ارائه تسهیلات و امکانات منطقه‌ای شده و شاخص رتبه‌بندی مناطق، از نظر معیشتی در توزیع فعالیت‌ها و امکانات، مورد نظر بوده است، اما مواد قانونی مربوط به شاخص‌هایی مانند معرفی قطب‌های اصلی تجاری، کشاورزی و صنعتی و معرفی مراکز اصلی گردشگری، در برنامه پنجم توسعه گنجانده نشده است.

تحلیل بعد توزیع فضایی در برنامه‌ریزی اقتصادی برنامه چهارم توسعه نیز نشان می‌دهد شاخص‌های مکان‌یابی برای اجرای طرح‌های زیربنایی و تعیین محورهای فضایی توسعه در این برنامه، طی سه ماده قانون (مواد قانونی ۳، ۲۵ و ۴۰)، با موضوع‌هایی مانند مقاوم‌سازی ساختمان‌های شهری و روستایی، بهبود کیفیت حمل‌ونقل، قیمت‌گذاری حداقلی بر انرژی در مناطق با ساکنان و اقشار آسیب‌پذیر، توسعه راه‌های روستایی و احداث مناطق فناوری در جوار قطب‌های علمی و صنعتی، مورد نظر بوده‌اند، اما بعد توزیع فضایی در برنامه پنجم توسعه کشور

مغفول مانده و مواد قانونی منطبق با شاخص‌هایی مانند مکان‌یابی برای اجرای طرح‌های زیربنایی و تعیین محورهای فضایی توسعه در نظر گرفته نشده است.

همان‌طور که تحلیل فوق نشان می‌دهد، برنامه پنجم توسعه، با وجود تفکیک موضوعی و پیش‌بینی مواد قانونی بیشتر در حوزه اقتصادی، در مقایسه با برنامه چهارم، رویکرد آمایشی ضعیف‌تری را در حوزه سیاست‌گذاری‌های اقتصادی اتخاذ کرده است. حال آنکه انطباق برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، با شاخص‌ها و مؤلفه‌های آمایشی و هم‌راستا کردن آن‌ها با یکدیگر، توزیع فعالیت‌ها و امکانات را در کشور معقول می‌سازد و توسعه فضایی را با توجه به جمعیت و نیازهای منطقه به‌پیش می‌برد. در مقابل، بی‌توجهی به این مهم، کارایی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی را حتی پیش از اجرا مختل می‌کند. شایان ذکر است که با توجه به چارچوب مفهومی اسکات (۲۰۱۳) در مورد آمایش سرزمین و اتخاذ راهبرد ادغام - که طی آن، برنامه‌ریزی‌های فضایی به‌سوی آینده تدوین می‌شوند - و اثربخشی اقدام‌های زمان حال، در شکل‌دهی به پتانسیل‌های آینده توجه می‌شود؛ جز در مناطق آزاد که نوعی از ادغام عملیاتی و تمرکززدایی در مدیریت فعالیت‌های اقتصادی از مرکز اتفاق افتاده است، واسپاری قدرت در مدیریت اقتصادی مناطق، دیده نمی‌شود.

در پایان باید گفت برنامه‌ریزی برای توزیع مجدد جمعیت و برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی به یکدیگر وابسته‌اند. به عبارت دیگر، سمت‌وسوی برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در سطح کلان، اگر در ظرفیت توزیع معقول امکانات و تسهیلات مناطق باشد، در ایجاد جمعیت متوازن منطقه‌ای تأثیرگذار است؛ چراکه اولین عامل تفاوت‌های منطقه‌ای، از توزیع ناعادلانه درآمد و رفاه ناشی می‌شود که آثاری بر توزیع نامناسب فضایی جمعیت دارد و به‌عنوان عاملی مؤثر در جهت افزایش مهاجرت عمل می‌کند. در این راستا، نقش دولت‌ها و اتخاذ راهبردهای توسعه‌ای آن‌ها بر جنبه‌های زندگی ملی و اقتصادی و الگوهای توزیع جمعیت منطقه‌ای، انکارناپذیر است. اگرچه منطقه‌ای کردن یک برنامه ملی به مانند استنتاج یک برنامه ملی از پیشنهادها مناطق، دشوار است و رفت‌وبرگشت‌های متعدد میان سطوح تصمیم‌گیری را می‌طلبد، بی‌توجهی به نیازها و پتانسیل‌های مناطق و برنامه‌ریزی متناسب اقتصادی برای آن‌ها، آثار و پیامدهای سوء و جبران‌ناپذیری را در پی دارد که رفع آن‌ها به زمانی طولانی نیازمند است. تجارب برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه در دوران سی سال قبل از انقلاب اسلامی نیز نشان داده است که علی‌رغم دستیابی جامعه به رشد اقتصادی در چند بخش و حتی افزایش چشمگیر درآمد سرانه

طی دوران برنامه پنجم عمرانی کشور، پیشبرد اهداف توسعه همچنان با مشکل‌هایی مواجه بوده است که بخشی از آن را می‌توان ناشی از تنظیم برنامه‌های توسعه با نگرش اقتصادی و بدون توجه به بازتاب‌های اجتماعی و منطقه‌ای آن دانست.

منابع

- خنیفر، حسین (۱۳۸۹)، «درآمدی بر مفهوم آمایش سرزمین و کاربردهای آن در ایران»، تهران، مجله آمایش سرزمین، شماره ۲: ۵-۲۶.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۸)، آشنایی با اقتصاد ایران، تهران: نشر نی.
- سلطانی، ناصر (۱۳۹۲)، «ارزیابی موانع فراروی طرح‌های آمایش سرزمین در ایران با رویکرد تلفیقی»، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، شماره ۳: ۶۳-۸۴.
- صالحی، اسماعیل و پورفرزام، اصغر (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر موانع فراروی آمایش سرزمین در ایران»، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۲: ۱۷۲-۱۷۸.
- عظیمی بلوریان، احمد (۱۳۸۹)، مفهوم آمایش سرزمین در برنامه‌ریزی توسعه - خاستگاه‌ها، سیر تکاملی و تجربه ایران، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کردبچه، محمد (۱۳۸۸)، «نگاهی به روند تدوین برنامه چهارم توسعه کشور»، هفته‌نامه برنامه، شماره ۳۵۱: ۴-۵.
- لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۸)، «سیر تحول برنامه‌های آمایش سرزمین در برنامه‌های قبل و بعد از انقلاب»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱: ۱۱۱-۱۴۷.
- مؤمنی، فرشاد و امینی میلانی، مینو (۱۳۹۰)، «توانمندی و توسعه پایدار در برنامه سوم و چهارم - توسعه ایران با رویکرد آمارتیا سن»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال یازدهم: شماره ۴۲: ۳۵-۶۴.
- مؤمنی، مهدی (۱۳۷۷)، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، اصفهان: انتشارات گویا.
- وحیدی، پریدخت (۱۳۷۳)، «آمایش سرزمین: راهنمایی برای برنامه‌ریزی آموزش عالی»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۷ و ۸: ۷۶.
- ویسی، هادی و مهمان‌دوست، خدیجه (۱۳۹۱)، «تأثیر نظام سیاسی بر آرایش فضایی - مکانی و توسعه شهرهای ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۲: ۲۰۴-۲۹۹.
- دفتر مطالعات برنامه‌بودجه (۱۳۹۱)، مجموعه مطالعات الگوی مطلوب برنامه‌ریزی برای ایران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۳)، متن ضوابط ملی آمایش سرزمین.

• معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری (۱۳۸۳)، متن قانون برنامه چهارم توسعه کشور.

• معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور (۱۳۸۹)، مجموعه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران.

- **Key Instrument for Development and Effective Governance** (2008), ECONOMIC COMMISSION FOR EUROPE, SPATIAL PLANNING with Special Reference to Countries in Transition, UNITED NATIONS: New York and Geneva.
- A.J. Scott a, C. Carter, M.R. Reed, P. Larkham, D. Adams, N. Morton, R. Waters, D. Collier, C. Crean, R. Curzon, R. Forster, P. Gibbs, N. Grayson, M. Hardman, A. Hearle, D. Jarvis, M. Kennet, K. Leach, M. Middleton, N. Schiessel, B. tonyer, R. Coles j, **Progress in Planning** (2013), Disintegrated development at the rural–urban fringe: Re-connecting spatial planning theory and practice: 1–52.